فهرست مطالب:

اشاره 2

وظایف حکومت در امربه‌معروف و نهی از منکر 2

ادله وظیفه‌مندی حکومت در امربه‌معروف و نهی از منکر 2

بخش اول: ادله قرآنی 2

1.1. حج آیه 41 2

1.2. آل‌عمران آیه 104 2

روایت مسعده بن صدقه 2

1.3. هود آیه 116 3

تقریب استدلال 3

ملاحظه: 3

نتیجه‌گیری: 3

بخش دوم: قواعد عامه 3

2.1. قاعده اول: مسئولیت حکومت در پیاده‌سازی احکام الهی 3

2.2. سایر قواعد 4

بخش سوم: ادله خاص و روایی 4

3.1. عهدنامه مالک اشتر 4

بررسی سندی: 4

بررسی دلالی 4

3.2. تأدیب و تعلیم وظیفه امام و حق مردم 5

بررسی سندی: 5

بررسی دلالی: 5

3.3. تعلیم اهل ولایت 5

3.4. تعلیم صلاح و تحذیر مضار مردم 5

3.5. وصایای رسول خدا (ص) به مبعوثین 5

3.6. توصیه پیامبر اکرم (ص) به معاذ بن‌ جبل 6

3.7. توصیه پیامبر اکرم(ص) به عمرو بن حزم 6

3.8. توصیه پیامبر اکرم(ص) به عتاب بن اسید 6

# اشاره

فصل ششم: امربه‌معروف و نهی از منکر برای مخاطبان خاص

**وظایف حکومت در امربه‌معروف و نهی از منکر**

حکومت اسلامی در برابر دین و ایمان مردم مسئولیت دارد. «امربه‌معروف و نهی از منکر» یکی از ابزارهای اعمال وظیفه‌مندی حکومت در برابر دیانت مردم است.

**ادله وظیفه‌مندی حکومت در امربه‌معروف و نهی** **از منکر**

قبلاً در بحث از وظایف آموزشی حکومت حدود پنجاه دلیل مطرح شد و تعداد قابل‌توجه ادله دیگر در بحث از وظایف تربیتی و فرهنگی حکومت مطرح شد. الان برخی از ادله را مرور می‌کنیم. برای توضیح بیشتر به مباحث قبلی رجوع نمایید که در سایت اشراق (http://www.eshragh-erfan.com) موجود است.

**بخش اول: ادله قرآنی**

**1.1. حج آیه 41**

«**الَّذينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ** »(حج/41)

دلالت این آیه از سایر ادله در وظیفه‌مندی حکومت قوی‌تر است. این آیه وظیفه حاکم و صاحبان قدرت را «امربه‌معروف و نهی از منکر» می‌داند.

**1.2. آل‌عمران آیه 104**

«**وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ**» (آل‌عمران/104)

دلالت این آیه شریفه بر وظیفه‌مندی حکومت در «امربه‌معروف و نهی از منکر» متوقف است بر تفسیری که در روایت مسعده بن صدقه وارد شده است. آیه فوق به ضمیمه روایت مسعده به‌عنوان مفسر و مؤید وظیفه‌مندی حکومت را بیان می‌نماید. بدون روایت مسعده، آیه شریفه دال بر وظیفه کفایی عموم مردم می‌باشد.

**روایت مسعده بن صدقه**

عليّ بن إبراهيم‏ ،عن هارون بن مسلم، عن مسعدة بن صدقة قال: سمعت أبا عبد اللّه- عليه السّلام- يقول‏، و سئل عن الأمر بالمعروف و النّهي عن المنكر: أ واجب هو على‏ الأمّة جميعا؟ فقال: لا. فقيل [له:] و لم؟ قال: إنّما هو على القويّ المطاع، العالم بالمعروف من المنكر، لا على الضّعيف الّذي لا يهتدي‏ سبيلا...**[[1]](#footnote-1)**

بر اساس این روایت، وظیفه «امربه‌معروف و نهی از منکر» بر عهده کسانی است که دارای قدرت باشند. این روایت ظهور آیه کریمه را تفسیر می‌نماید و مسئولیت «امربه‌معروف و نهی از منکر» را بر عهده حاکمان و عالمان دارای قدرت می‌داند. بنابراین مراد از «امة» در آیه کسانی هستند که قدرت و توان اعمال و اجرای «امربه‌معروف و نهی از منکر» را داشته باشند.

البته ما در بحث سابق دلالت روایت مسعده را قبول نکردیم زیرا سند روایت را معتبر ندانستیم زیرا مسعده توثیق ندارد. مگر اینکه او از راویان مشهور بدانیم که در این ثورت عدم ورود قدح، دال بر وثاقت می‌نماید. قبلاً با بررسی روایت مسعده و آیه کریمه، محدود شدن حکم «امربه‌معروف و نهی از منکر» به گروه خاص را نپذیرفتیم لذا علی‌رغم روایت مسعده، مراد از «امربه‌معروف و نهی از منکر» در آیه «و لتکن منکم امة» وجوب کفایی «امربه‌معروف و نهی از منکر» برای عموم مکلفین است. جمله «عالم مطاع» که در روایت مسعده وارد شده، مخصص مفهوم وسیع آیه نمی‌باشد.

درنتیجه دلیل دوم در حد اشعار قابل‌قبول است اما دلالت تمام ندارد.

**1.3. هود آیه 116**

«**فَلَوْ لا كانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسادِ فِي الْأَرْضِ إِلاَّ قَليلاً مِمَّنْ أَنْجَيْنا مِنْهُمْ وَ اتَّبَعَ الَّذينَ ظَلَمُوا ما أُتْرِفُوا فيهِ وَ كانُوا مُجْرِمينَ**»(هود/ 116)

مفهوم آیه آن است که توبیخ می‌نماید، چرا غیر از گروه اندک که نجات یافتند، افراد باقی مانده نهی از فساد نکردند؟

**تقریب استدلال**

در معنای «**أُولُوا بَقِيَّةٍ**»دو احتمال وجود دارد؛ برداشت نخست آن است که تمام بازماندگان از عذاب الهی، «**أُولُوا بَقِيَّةٍ**»هستند. این برداشت با بحث ما ارتباط ندارد. احتمال دوم ا« است مراد از «**أُولُوا بَقِيَّةٍ**»افراد عادی نیستند بلکه مراد از «**أُولُوا بَقِيَّةٍ**»، نظام اجتماعی و صاحبان قدرت هستند که اداره قدرت بعد از عذاب را بر عهده دارند. صاحبان قدرت یعنی نظام و حکومت که بعد از عذاب و از بین رفتن نظام قبلی آمدند، موظف هستند که نهی از فساد نمایند.

**ملاحظه:**

تعبیر «اولوا بقیه» به قدرت اشعار دارد اما ظهور در قدرت ندارد بلکه مراد افراد عادی و عموم مردم باقی مانده از عذاب هستند. درنتیجه دلالت آیه 116 هود تام نیست.

**نتیجه‌گیری:**

از مجموع سه آیه ذکر شده که از تعبیر امر و نهی در آن‌ها به کار رفته بود، فقط آیه اول (**ان مکناهم ...**) به صورت واضح بر مقصود ما یعنی وظیفه‌مندی حکومت در اجرای «امربه‌معروف و نهی از منکر» دلالت می‌نماید اما دو آیه دیگر با اینکه اشعار بر مقصود داشت، اما ظهور و دلالت واضح نداشت.

**بخش دوم: قواعد عامه**

قواعد عام به‌عنوان «امربه‌معروف و نهی از منکر» مطرح نشده است بلکه با عنوان‌های عام وارد شده که شامل «امربه‌معروف و نهی از منکر» نیز می‌شود.

2.1**. قاعده اول: مسئولیت حکومت در پیاده‌سازی احکام الهی**

حکومت در قبال دیانت و ایمان مردم مسئولیت دارد. «**إنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللّهُ وَلاَ تَكُن لِّلْخَآئِنِينَ خَصِيماً**» (نساء/ 105) این دلیل قرآنی با اینکه عام است اما بر «امربه‌معروف و نهی از منکر» منطبق می‌شود. رابطه حکومت با تکلیف «امربه‌معروف و نهی از منکر» یکی از دو چیز است:

اولاً: «امربه‌معروف و نهی از منکر مصداق بارز یک تکلیف ویژه برای حکومت است؛ یعنی حکومت باید امربه‌معروف و نهی از منکر را به‌عنوان دو فریضه الهی در جامعه پیاده و اجرایی نماید.

ثانیاً: امربه‌معروف و نهی از منکر یکی از شیوه‌های پیاده‌سازی احکام الهی است. اجرای سایر احکام الهی نیازمند بهره‌برداری از شیوه معروف و نهی از منکر است.

**2.2. سایر قواعد**

2.2. قاعده احیای دین

2.3. قاعده

2.4. قاعده صیانت از عزت جامعه اسلامی

2.5. قاعده حفظ نظام اسلامی در یک محدوده معین

2.6. قاعده دعوت الخیر

مجموع ادله و قواعد ذکر شده در کنار هم، بر لزوم وظیفه معروف و نهی از منکر توسط حکومت اسلامی دلالت می‌نماید. البته در تعین اینکه این تکلیف ویژه حکومت آیا واجب تعیینی است یا تخییری به سلسله‌های گذشته مراجعه شود.

**بخش سوم: ادله خاص و روایی**

در تعداد قابل‌توجهی از روایات عنوان معروف و نهی از منکر وارد نشده اما عناوین و کلیدواژه‌های دیگری وارد شده که بر وظایف آموزشی و تربیتی حکومت دلالت می‌نماید از قبیل:

**3.1. عهدنامه مالک اشتر**

**«هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِیٌّ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ مَالِکَ بْنَ الْحَارِثِ الْأَشْتَرَ فِی عَهْدِهِ إِلَیْهِ حِینَ وَلَّاهُ مِصْرَ ... وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ ...»**

**بررسی سندی:**

سند عهدنامه را در سلسله بحث‌های گذشته به نحوی تصحیح کردیم؛ بیان شد که متن در تحف العقول بدون سند آمده است اما در فهرست شیخ و در رجال نجاشی برای این روایت سند نقل شده است بدون اینکه خود روایت را نقل کرده باشند. درمجموع احتمال توثیق عهدنامه مالک زیاد است.

**بررسی دلالی**

در متن عهدنامه با تعبیر «**وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا**» یکی از وظایف حاکم را اصلاح اهل بلد می‌داند؛ صالح سازی مردمان و زمینه‌سازی برای سوق یافتن آنان به سمت صلاح تکلیف حاکم است. اصلاح اهل تکلیف عام است و یکی از راه‌های اصلاح سازی، امربه‌معروف و نهی از منکر است. مراد از صلاح، صلاح دنیوی و اخروی است. در مورد اینکه آیا استصلاح اهل حکم الهی است یا حکم ولایی و حکومتی، قبلاً بحث شده است، مراجعه نمایید. آنچه قابل‌بیان است اینکه وظیفه الهی و خاص حکومت عبارت است از توجه حاکمیت به اصلاح مردم.

**3.2. تأدیب و تعلیم وظیفه امام و حق مردم**

خطبه سی‌وچهار نهج‌البلاغه در مقام بیان حقوق مردم بر حکومت می‌فرماید: «**اما حَقُّكُمْ عَلَيَ‏ ... وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمَا تَعْلَمُوا**»[[2]](#footnote-2)

**بررسی سندی:**

سند این خطبه تام نیست لذا از این جهت معتبر نیست.

**بررسی دلالی:**

دلالت این روایت بر وظیفه‌مندی حکومت قابل‌قبول است. حکومت وظیفه دارد قیام کند به تعلیم و تأدیب مردم که یکی از مصادیق آن، امربه‌معروف و نهی از منکر است.

**3.3. تعلیم اهل ولایت**

امیرالمؤمنین علیه‌السلام بر اساس نقل کتاب غررالحکم و دررالکلم می‌فرماید: **«عَلَى‏ الْإِمَامِ‏ أَنْ‏ يُعْلِمَ‏ أَهْلَ‏ وَلَايَتِهِ‏ حُدُودَ الْإِسْلَامِ وَ الْإِيمَان»[[3]](#footnote-3)**

این روایت از نظر سند و دلالت دچار مشکل است زیرا فاقد سند است؛ از حیث دلالت هم بر لزوم تعلیم توسط امام تأکید می‌نماید. درحالی‌که تعلیم با امربه‌معروف و نهی از منکر متفاوت است لذا استدلال به این روایت تام نیست.

**3.4. تعلیم صلاح و تحذیر مضار مردم**

**«وَ يُعَرِّفُهُمْ‏ أَبْوَابَ‏ مَا فِيهِ‏ صَلَاحُهُمْ‏ وَ يُحَذِّرُهُمْ مَا فِيهِ مَضَارُّهُم**‏**»**[[4]](#footnote-4) این روایت در کتاب ولایت فقیه و در بحار هم نقل شده است.

این روایت از حیث سند، اعتبار ندارد.

از حیث دلالت در روایت دو احتمال وجود دارد، یکی این است که مقصود صلاح امور خاص اخروی باشد و یا اعم است از صلاح دنیوی یعنی نظم دنیوی و سعادت آن‌ها را هم می‌گیرد. صلاح اطلاق دارد، مصلحت­های زندگی اجتماعی و خانوادگی و فردی در این دنیا هم شامل می‌شود و لذا این روایت اگر معتبر بود یک وظیفه­ای را بر دوش حاکم می‌گذاشت که آن چیزی که به مصلحت جامعه هست را باید تأمین نماید. این روایت بُعد تربیتی دارد و درجاتی از امربه‌معروف و نهی از منکر را شامل می‌شود لذا امربه‌معروف و نهی از منکر می‌تواند مصداق تعلیم صلاح مردم و بر حذر داشتن آنان از امور مضر باشد.

**3.5. وصایای رسول خدا (ص) به مبعوثین**

حضرت رسول خدا تکالیفی را بر عهده رسولان و مبعوثین خویش به مناطق مختلف تعیین می‌نمود، بخشی از آن تکالیف تعلیم و تأدیب مردم بود که شامل امربه‌معروف و نهی از منکر می‌شود.[[5]](#footnote-5)

البته در مورد مبعوثین دو احتمال وجود دارد، یکی آنکه آنان به‌عنوان والی و حاکم از طرف رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم تعیین شده و تعلیم و تربیت مردم را به‌عنوان وظیفه حکومت اتیان می‌نمودند. احتمال دوم آن است که آنان مبلغان دین بودند نه حاکم؛ اما به‌عنوان نماینده حکومت و شخص حاکم (پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم) موظف بودند وظایف حاکمیتی را انجام دهند.

**3.6. توصیه پیامبر اکرم (ص) به معاذ بن‌ جبل**

وصیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم به معاذ بن ‌جبل هنگامی‌که ایشان را به‌عنوان نماینده به یمن فرستاده: «**يَا مُعَاذُ عَلِّمْهُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَحْسِنْ أَدَبَهُمْ عَلَى الْأَخْلَاقِ الصَّالِحَةِ وَ ... وَ ذَكِّرِ النَّاسَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ اتَّبِعِ الْمَوْعِظَةَ ...**».[[6]](#footnote-6)

عناوین ذکر شده در متن سفارش‌نامه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم به معاذ می‌تواند بر امربه‌معروف و نهی از منکر منطبق گردد. البته سند این نقل ضعیف است.

**3.7. توصیه پیامبر اکرم(ص) به عمرو بن حزم**

وصیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم به عمرو بن حزم که والی بر بنی الحارث قرار داد و فرمود: «**... وَ أن یُبَشِّرَ النّاس بالخیر وَ یَأمُرَهُم به وَ یُعلِّمَ النّاس القرآن وَ یُفَقِّهَهُم فیه وَیُعلِّمَ النّاس مَعالِمَ الحجّ وَ سُنَّته.**»[[7]](#footnote-7)

**3.8. توصیه پیامبر اکرم(ص) به عتاب بن اسید**

نقل شده است که «**و قد فوض الیه تنبیه غافلکم و تعلیم جاهلکم ، و تقویم أود مضطربکم ، و تأدیب من زال عن أدب الله منکم**».[[8]](#footnote-8) تنبیه غافل، نعلیم جاهل و تأدیب مردم وظیفه حاکم است که از جانب خداوند بر عهده او قرار داده شده است.

ادله خاصه دیگری نیز هست که در جلسه آینده مطرح و سپس جمع‌بندی خواهیم کرد.

1. **. تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج‏3، ص: 192؛** [**وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج16، ص126، من أبواب الأمر و النهی، ب2، ح1، ط آل البیت.**](http://lib.eshia.ir/11025/16/126/%D9%88%D8%A7%D9%84%D9%86%D9%87%D9%8A) [↑](#footnote-ref-1)
2. **. نهج‌البلاغه خطبه 34** [↑](#footnote-ref-2)
3. **. غررالحکم و دررالکلم؛ ح 6199 ص 453** [↑](#footnote-ref-3)
4. **. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج‏90، ص41** [↑](#footnote-ref-4)
5. **. حسینعلی منتشری، ولایت فقیه، ج2 ص138** [↑](#footnote-ref-5)
6. **. تحف العقول حدیث 25 و کنز العمال حدیث 30291** [↑](#footnote-ref-6)
7. **. سیره ابن هشام، ج4 ص241 و در تاریخ طبری هم آمده است.** [↑](#footnote-ref-7)
8. **. محمد باقر مجلسی ، پیشین ، ج 21، ص 122- 123 / علی احمدی میانجی ، مکاتب الرسول (قم ، دارالحدیث ، 1419) ، ج 2، ص 661** [↑](#footnote-ref-8)